****

[تتمه جهت اول: بررسی رکنیت سعی 1](#_Toc487547490)

[جهت دوم: شرطیت ستر عورت در سعی 2](#_Toc487547491)

[جهت سوم: شرطیت طهارت از خبث و حدث در سعی 2](#_Toc487547492)

[الف) عدم شرطیت طهارت از حدث اصغر 3](#_Toc487547493)

[ب) عدم شرطیت طهارت از حدث اکبر غیر از جنابت 6](#_Toc487547494)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج- واجبات عمره تمتع

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه جهت اول: بررسی رکنیت سعی

خلاصه جهت اول:

گفته شد که سعی از ارکان حج است و روایاتی همچون صحیحه معاویة بن عمار بر آن دلالت داشت و لکن روایتی در مقابل حکم به سنت بودن سعی کرد ولی گفتیم بعید نیست مقتضای جمع عرفی این باشد که چون در قرآن آمده لا جناح علیه ان یطوف بهما[[1]](#footnote-1) و لکن ظهور در وجوب ندارد، و بیان وجوب آن در سنت آمده، لذا امام علیه السلام این را کاشف قرار داد که اهمیت طواف بیشتر است که صریحا وجوب آن در قرآن مطرح شده است، و گرنه هم طواف و سعی از فرائض هستند و مراد جدی از آیه شریفه نیز وجوب سعی است.

و بر فرض تعارض، صحیحه معاویة بن عمار یا به سبب مخالفت با عامه بر روایت عبید بن زرارة که موافق با عامه است ترجیح داده می شود، چون عامه سعی را فریضه نمی دانند، (حتی ما از مقبوله عمر بن حنظله استفاده کرده ایم که فقط مخالفت عامه مرجح نیست، بلکه مخالفت با حکمی که عامه به آن امیل هستند نیز از مرجحات است.)

و یا از این باب که مجمع علیه بین اصحاب است، بر خلاف روایت عبید بن زرارة که شاذ نادر است و اگر هم ترجیح ثابت نباشد و تعارض و تساقط کنند، مقتضای قواعد اولیه این است که سعی در ضمن مناسک حج و عمره، واجب است و اصل اولی این است که جزء مرکب اگر ترک شود، سبب انتفاء مرکب می شود و این نتیجه ای به غیر از رکنیت ندارد.

## جهت دوم: شرطیت ستر عورت در سعی

ستر عورت در حال سعی شرط نیست، زیرا هیچ دلیلی بر لزوم ستر عورت در حال سعی وجود ندارد و مقتضای اطلاق ادله و اصل برائت، عدم شرطیت آن است،

بله، در طواف روایت می گفت لایطوفن بالبیت عریان و مشهور، از آن اشتراط ستر عورت در حال طواف را استفاده کرده اند، و لکن این ربطی به سعی ندارد، جدا از این که از آن تعبیر در باب طواف هم بیش از نهی تکلیفی استفاده نمی شود و عرفی نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به مکه بفرستد که این عبارت را به عنوان شرایط طواف بیان کند، با این که طواف شرایط فراوان دیگری هم دارد که در این جا بیان نشده است، بلکه ظاهر این است که از یک منکر اجتماعی رایج نهی کرده است.

لذا ما حتی در طواف هم دلیلی بر اشتراط ستر عورت نداریم.

## جهت سوم: شرطیت طهارت از خبث و حدث در سعی

مشهور از جمله محقق خوئی در مناسک فرموده اند: در سعی، طهارت از خبث و حدث شرط نیست، راجع به اعتبار طهارت از خبث، دلیلی نداریم

اما طهارت از حدث سه فرض دارد که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد: طهارت از حدث اصغر، طهارت از حدث حیض و طهارت از حدث اکبر به غیر از حیض.

### الف) عدم شرطیت طهارت از حدث اصغر

طهارت از حدث اصغر در حال سعی قطعا شرط نیست و در صحیحه معاویه بن عمار آمده:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُقْضَى الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ إِلَّا الطَّوَافُ فَإِنَ‏ فِيهِ‏ صَلَاةً وَ الْوُضُوءُ أَفْضَلُ.[[2]](#footnote-2)

صحیحه رفاعه: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى‏ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَشْهَدُ شَيْئاً مِنَ الْمَنَاسِكِ وَ أَنَا عَلَى‏ غَيْرِ وُضُوءٍ قَالَ نَعَمْ إِلَّا الطَّوَافَ بِالْبَيْتِ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً.[[3]](#footnote-3)

صحیحه یحیی الازرق: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) رَجُلٌ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- فَسَعَى ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ أَو أَرْبَعَةً ثُمَّ بَالَ‏ ثُمَ‏ أَتَمَ‏ سَعْيَهُ‏ بِغَيْرِ وُضُوءٍ فَقَالَ لَا بَأْسَ وَ لَوْ أَتَمَّ مَنَاسِكَهُ بِوُضُوءٍ لَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ.[[4]](#footnote-4)

البته در مقابل این روایات، ظاهر موثقه ابن فضال، وجوب وضو در حال سعی است: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى‏، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: «لَا تَطُوفُ‏ وَ لَاتَسْعى‏ إِلَّا عَلى‏ وُضُوء[[5]](#footnote-5)

ظاهر این روایت که جمله خبریه و مخاطب آن مرد است، لزوم وضوء برای انجام سعی است.

و لکن جمع عرفی اقتضاء دارد که موثقه را بر استحباب وضو حمل کنیم.

ان قلت: صحیحه معاویة بن عمار و رفاعة که مطلق بود و در خصوص سعی نبود، لذا موثقه ابن فضال که در خصوص سعی وارد شده است، اخص از آن است و طبعا بایستی جمع موضوعی شود.

قلت:

اولا: با صحیحه یحیی الازرق که در خصوص سعی آمده چه می کنید؟ البته موضوع این روایت نیز حدوث حدث در اثناء سعی است، اما عرفا از آن الغاء خصوصیت به فرض وجود حدث از ابتداء سعی می­­شود.

ثانیا: صحیحه معاویة بن عمار و رفاعة، اباء از تخصیص دارد و قدر متیقن در مقام تخاطب در این دو صحیحه، سوال از وضو در مثل سعی است، و گرنه کسی توهم نمی کند که در وقوفین که طولانی است، وضو داشتن شرط باشد و یا در مبیت به منی وضو شرط باشد، لذا ظاهر سوال این است که از مثل سعی سوال می کند و نمی شود سعی را از آن اخراج نمود.

ثالثا: اگر سعی مشروط به وضو می بود، لبان و اشتهر، زیرا خیلی از افراد همچون مسنین در حال سعی، وضوی بعد از طوافشان باطل می شده است و اگر وضو گرفتن لازم می بود، این حکم اشتهار می یافت.

لذا این که ابن عقیل گفته واجب است طهارت از حدث اصغر در حال سعی، قول صحیحی نیست.

اما نسبت به حدث حیض، مقتضای برخی روایات، اعتبار طهارت از حیض در حال سعی است:

صحیحه عمر بن یزید:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الطَّامِثِ قَالَ تَقْضِي الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا غَيْرَ أَنَّهَا لَا تَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ بَعْضَ مَا تَقْضِي مِنَ الْمَنَاسِكِ أَعْظَمُ مِنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ الْمَوْقِفَ فَمَا بَالُهَا تَقْضِي الْمَنَاسِكَ وَ لَا تَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- قَالَ لِأَنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ تَطُوفُ بِهِمَا إِذَا شَاءَتْ‏ وَ إِنَّ هَذِهِ الْمَوَاقِفَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَقْضِيَهَا إِذَا فَاتَتْهَا.[[6]](#footnote-6)

صحیحه حلبی: وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْمَرْأَةِ تَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ هِيَ حَائِضٌ قَالَ‏ لَا إِنَ‏ اللَّهَ‏ يَقُولُ‏ إِنَ‏ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّه[[7]](#footnote-7)‏

محقق خوئی فرموده: متن صحیحه حلبی اشکال دارد و وثوق نمی آرود، زیرا آیه ربطی به سعی در حال حیض ندارد، عرفات هم از شعائر الله است، در حالی که حائض در آن جا می تواند وقوف کند.

ولی این درست نیست، زیرا ائمه علیهم السلام تقریب به ذهن می کنند.

لذا به نظر ما این دو روایت باید بر کراهت حمل شود، به قرینه صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ امْرَأَةٍ طَافَتْ بِالْبَيْتِ- ثُمَّ حَاضَتْ‏ قَبْلَ‏ أَنْ‏ تَسْعَى‏ قَالَ تَسْعَى قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- فَحَاضَتْ بَيْنَهُمَا قَالَ تُتِمُّ سَعْيَهَا.[[8]](#footnote-8)

ان قلت: این جمع عرفی نیست که تسعی و لاتسعی چنین حمل شود، زیرا یک روایت می گوید حائض سعی نکند و روایت دیگر می گوید سعی بکند و این دو جمع عرفی ندارد.

قلت: تسعی ظهور در وجوب که ندارد و بیان جواز سعی می کند و این منافات ندارد با روایت دیگری که بگوید لاتسعی و این دو قابل جمع عرفی و حمل لاتسعی بر کراهت است.

البته این مطلب را همه قبول ندارند و برخی مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری این را عرفی نمی دانند، زیرا در روایت از حضرت از نافله سوال می کند که دو روایت وارد شده، یکی می گوید صلهما فی المحمل و روایت دیگر می گوید لاتصلهما الا علی الارض.

قطعا حکم در روایت اولی وجوب نیست، بلکه جواز است و باید در جواب جمع عرفی به بیان کراهت صلاة در محمل می شد، در حالی که در روایت دارد که مخیر هستی موسع علیک به هر کدام اخذ کنی و این نشان می دهد که چنین جمعی شرعا پذیرفته نیست.

اما به نظر ما شاید امام علیه السلام ارتکاز سائل بر تعارض بین این دو روایت را نپذیرفته باشد و جواب حضرت از باب تخییر در باب تعارض نباشد، بلکه شاید تخییر عملی در مستحبات باشد.

البته بر فرض تعارض و تساقط دو روایت، باز هم مرجع، اطلاقات سعی و اصل برائت است.

### ب) عدم شرطیت طهارت از حدث اکبر غیر از جنابت

اما طهارت از حدث اکبر غیر از حیض، دلیلی بر اعتبارش نیست، مگر در جنابت که روایت عبید بن زرارة وارد شده است:

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ- أُسْبُوعاً طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ غَمَزَهُ‏ بَطْنُهُ‏ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ ثُمَّ غَشِيَ‏ أَهْلَهُ‏ قَالَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَعُودُ وَ يَطُوفُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ وَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ قُلْتُ فَإِنْ كَانَ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَطَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ فَغَشِيَ أَهْلَهُ فَقَالَ أَفْسَدَ حَجَّهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَة وَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ أُسْبُوعاً ثُمَّ يَسْعَى وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ قُلْتُ كَيْفَ لَمْ تَجْعَلْ عَلَيْهِ حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ سَعْيِهِ كَمَا جَعَلْتَ عَلَيْهِ هَدْياً حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ قَالَ إِنَّ الطَّوَافَ فَرِيضَةٌ وَ فِيهِ صَلَاةٌ وَ السَّعْيَ سُنَّةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ أَ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ‏ إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ‏ «1» قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ قَدْ قَالَ فِيهَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ‏ - فَلَوْ كَانَ السَّعْيُ فَرِيضَةً لَمْ يَقُلْ وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً.[[9]](#footnote-9)

روایت درباره کسی که در میان سعی جماع کرده، فرمود تغتسل و ما بقی اشواط را انجام دهد و این نشان از وجوب طهارت از حدث جنابت در حال سعی دارد.

و لکن به نظر ما این روایت ضعف سندی دارد، عبد العزیز عبدی مجهول است و اگر اشکال سندی نمی بود، بعید نبود که بگوییم طهارت از جنابت شرط است، بر خلاف طهارت از حیض.

1. [سوره بقره، آيه 158.](http://lib.eshia.ir/17001/1/24) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج1، ص374، أبواب وجوب الطهارة للطواف الواجب...، باب5، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/1/374/الطهارة%20للطواف) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص494، أبواب جواز السعی علی غیر طهارة...، باب15، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/494/السعی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص495، أبواب جواز السعی علی غیر طهارة...، باب15، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/495/السعی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، الشیخ الکلینی، ج8، ص655.](http://lib.eshia.ir/11005/8/655/لاتسعی) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص457، أبواب أن المرآة إذا حاضت...، باب87، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/457/السعی) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص494، أبواب جواز السعی علی غیر طهارة...، باب15، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/494/السعی) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص459، أبواب أن المرأة إذا طافت ثم حاضت...، باب89، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/459/طافت) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص126، أبواب حکم الجماع فی أثناء الطواف و السعی...، باب11، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/126/السعی) [↑](#footnote-ref-9)